

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مطالعات قرآنی و حدیث

۱۵

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث

سال هشتم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر حسین علی سعدی

سرمدیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی استاد دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عبدالهادی فقهی زاده دانشیار دانشگاه تهران
عباس مصلاهی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

دوفصلنامه «مطالعات قرآن و حدیث» در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ و طی نامه شماره ۳/۱۸۱۷۲۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از شماره ۹ موفق به اخذ اعتبار علمی - پژوهشی شده است و مقالات آن در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
www.sid.ir پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.magiran.com بانک اطلاعات نشریات کشور

۲۳۶ صفحه / ۱۰۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

<http://quran.journals.isu.ac.ir>

امور فنی و توزیع: معاونت پژوهشی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

E-mail: mag@isu.ac.ir

جهت تهیه نسخه چاپی مجله، به بخش «درخواست نسخه چاپی» در سامانه الکترونیک نشریه مراجعه کنید.

بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در معنا و اشتقاق «رب»

محمدعلی خوانین زاده *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲

فتح الله نجارزادگان **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۱۹

چکیده

با توجه به اهمیت و جایگاه محوری اسم «رب» در نظام معنایی قرآن کریم، در این مقاله با نگاهی تاریخی - انتقادی به بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان اعم از فرهنگ‌نویسان، مفسران و شارحان اسماء الله در مورد واژه «رب» و اشتقاق و معنای آن پرداخته می‌شود؛ تا ضمن دستیابی به تصویری روشن از روش‌های مورد استفاده دانشمندان مسلمان در معناشناسی واژه‌های قرآنی و نتایج حاصل از آن، نقاط قوت و ضعف آن روش‌ها آشکار گردد و زمینه استفاده از روش‌های روزآمد جهت رفع نارسایی‌های موجود فراهم آید.

از مجموع اقوال و شواهد مورد استناد فرهنگ‌نویسان متقدم چنین برمی‌آید که واژه «رب» - که همگی آن را از ریشه مضاعف ربب دانسته‌اند - در زبان عربی از پیش از اسلام در معنای «مالک» به کار می‌رفته است اما صورت فعلی مجرد رَبُّ یَرْبُ یا کاربردهای فعلی مزید ریشه ربب، در معنای مَلِکَ یَمَلِکُ کاربرد نداشته است و حتی برخی، مبدأ اشتقاق «رب» را «تربیه» (از ریشه ناقص ربو) دانسته‌اند. با وجود تلاش‌های برخی دانشمندان مسلمان جهت یافتن مبدأ اشتقاقی برای صورت اسمی «رب» از کاربردهای فعلی ریشه ربب، تلاش‌های آنان نارسا بوده و نه پیوند معنایی صورت اسمی «رب» را با کاربردهای فعلی ریشه ربب روشن ساخته‌اند.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، اسماء الحسنی، رب، معناشناسی، اشتقاق.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس قم (نویسنده مسئول)

alikhavanin@ut.ac.ir

najarzadegan@ut.ac.ir

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، پردیس قم

مقدمه

با توجه به اهمیت و جایگاه محوری اسم «رب» در میان اسماء الحسنی و سایر مفاهیم موجود در نظام معنایی قرآن کریم - که از سویی، با حوزه معنایی «توحید» و اسم جلاله «الله» و سایر اسماء و صفات الهی و از سوی دیگر، با حوزه معنایی «عبادت» و مفاهیم کلیدی «إله» و «شرك» در پیوند است و این دو حوزه معنایی، از حوزه‌های معنایی اساسی در نظام معنایی قرآن کریم/ند - معناشناسی واژه «رب» در تبیین نظام معنایی قرآن کریم و بازنمایی برخی آموزه‌ها و مفاهیم محوری در این نظام معنایی نقشی اساسی ایفا می‌کند.

از آنجا که توجه به چگونگی ساخت و اشتقاق یک واژه نقش به‌سزایی در معناشناسی آن واژه دارد، از مقدمات بررسی معناشناختی واژگان قرآنی و از جمله واژه «رب»، دستیابی به مبدأ اشتقاق و تبیین چگونگی اشتقاق آن است. امروزه در معناشناسی واژگان قرآنی بر روش‌های جدید تأکید فراوان می‌شود؛ این در حالی است که در منابع موجود در سنت اسلامی مطالب فراوانی هست و اتفاقاً یکی از نمونه‌های خوب برای چنین مطالعه‌ای، واژه «رب» است. بنا بر این به نظر می‌رسد قبل از بکارگیری روش‌های نوین زبان‌شناختی و معناشناختی، ضروری است ابتدا منابع اسلامی با نگاهی تحلیلی بازخوانی شود تا ضمن استفاده از نقاط قوت و داشته‌های موجود، نارسایی‌ها و نقاط ضعف آشکار گردد.

بدین ترتیب است که هم دلیل موجهی برای استفاده از روش‌های نوین در دست خواهد بود و هم روشن خواهد بود که برای چه منظوری روش‌های روزآمد به کار گرفته می‌شود. از این رو ضروری است علاوه بر این که از مجموعه داشته‌های موجود در سنت اسلامی بهره‌برداری می‌شود، جهت رفع نارسایی‌های موجود از روش‌های نوین زبان‌شناختی و معناشناختی نیز استفاده شود. از آنجا که به نظر می‌رسد این هر دو، خود موضوع پژوهش‌هایی مستقلاند، این مقاله تنها برای انجام موضوع نخست نگارش یافته است و بررسی معناشناختی واژه «رب» با استفاده از روش‌های نوین زبان‌شناختی و معناشناختی، موضوع مقاله‌ای دیگر است.

دانشمندان مسلمان در کتب مختلف لغوی، تفسیری و کلامی، توجه ویژه‌ای به اسم «رب» داشته‌اند و بر اساس معنایی که برای آن دریافته‌اند دیدگاه‌های خود را استوار ساخته‌اند. صرف نظر از دیدگاه‌های مختلف تفسیری و کلامی، در این مقاله با مطالعه موردی واژه «رب»، روش‌های مورد استفاده دانشمندان مسلمان در معناشناسی واژگان قرآنی با نگاهی تاریخی - انتقادی بررسی شده و دیدگاه‌های آنان مورد بازخوانی قرار می‌گیرد. از همین رو، در این مقاله صرفاً از منابع اسلامی با تأکید بر منابع لغوی متقدم - متعلق به چهار قرن نخست هجری - استفاده شده است و تلاش می‌شود اولاً، آنچه در معنا و اشتقاق «رب» در منابع اسلامی موجود است، با توجه به سیر تاریخی، در معرض دید قرار گیرد و ثانیاً، نقاط قوت و ضعف روش‌های دانشمندان مسلمان در معناشناسی واژگان قرآنی آشکار گشته و زمینه بکارگیری روش‌های روزآمد جهت رفع نارسایی‌های موجود فراهم آید.

منابع اسلامی که در این مقاله برای مطالعه معنا و اشتقاق واژه «رب» استفاده شده‌اند سه گونه‌اند: منابع لغوی، منابع تفسیری، و منابع کلامی (شرح اسماء الله). از آنجا که در منابع لغوی با جامعیت بیشتری به واژه «رب» و کاربردهای ریشه رب و واژه‌های اشتقاق یافته از این ریشه پرداخته شده و دیدگاه‌های مفسران و متکلمان در معنا و اشتقاق «رب» به هم نزدیک و غالباً برگرفته از دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان متقدم است، در بخش نخست این مقاله منابع لغوی متقدم و در بخش دوم منابع تفسیری و کلامی مورد بازخوانی قرار گرفته و تلاش می‌شود ضمن ارائه دسته‌بندی شده دیدگاه‌ها، وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها تبیین گردد و حتی الامکان، دیدگاه‌هایی که از جهت تاریخی تأخر دارند از دیدگاه‌های متقدم‌تر بازشناخته شوند.

با توجه به این که واژه «رب» در منابع مورد بررسی واژه‌ای عربی از ریشه مضاعف رب ب دانسته شده است، در ابتدا لازم است به کاربردهای این ریشه در قرآن کریم اشاره شود:

ریشه رب ب در قرآن کریم ۹۷۶ بار به کار رفته است. از این تعداد، بیشترین کاربرد از آن واژه «رب» است که ۹۷۱ بار - ۹۶۷ بار به صورت مفرد و چهار بار به صورت جمع مکسر «أرباب» - به کار رفته است. مابقی، سه کاربرد واژه «ربانی» و یک

کاربرد واژه «ربی» همگی به صورت جمع سالم، و یک کاربرد واژه «ربائب» - جمع مکسر «رَبِیَّه» - است. از ریشه ربب هیچ فعلی در قرآن کریم کاربرد نیافته است (نک: عبدالباقی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹۰-۳۰۴). از ۹۷۱ کاربرد واژه «رب» در قرآن کریم، ۹۵۸ کاربرد آن به عنوان اسمی از اسماء الله بوده است و تنها در ۱۳ مورد در معنایی غیر از اسم الله به کار رفته است.^۱ بر این اساس اسم «رب» پس از اسم جلاله «الله» بیشترین کاربرد را در میان اسماء الحسنی در قرآن کریم دارد.

۱. بازخوانی منابع لغوی

اشتقاق را برگرفته شدن یک واژه از واژه‌ای دیگر دانسته‌اند به شرطی که آن دو واژه هم در ریشه و هم در معنا قرابت داشته و تنها در ساخت (حرکات یا حروف زائد بر ریشه) متفاوت باشند (ابن سراج، ۱۹۷۳م، ص ۲۰. برای آگاهی از دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان درباره اشتقاق رک: طرزی، ۲۰۰۵م، ص ۱۵-۱۶). بر این اساس صرف هم‌ریشه بودن دو واژه، در صورتی که بین آن دو پیوند معنایی برقرار نباشد، دلالتی بر مبدأ اشتقاق واحد ندارد.

در بررسی لغوی یک واژه در زبان عربی دو حالت قابل تصور است: یا در نگاه فرهنگ‌نویسان مسلمان آن واژه عربی است یا غیر عربی؛ و اگر عربی است، آن واژه یا جامد بوده و از صورتی فعلی مشتق نشده است - چه ریشه آن واژه اساساً کاربردی به صورت فعلی نداشته باشد، چه کاربردی فعلی داشته ولی معنای آن واژه برگرفته از آن معنای فعلی نباشد - یا مشتق بوده و برگرفته از صورتی فعلی دانسته شده است.^۲

«رب» در منابع لغوی واژه‌ای عربی از ریشه مضاعف ربب دانسته شده است که از این ریشه کاربردهایی فعلی به صورت مجرد و مزید نیز هست. چنانچه «رب» جامد باشد، باید معنایش را مستقل از معنای صورت‌های فعلی ریشه ربب بررسی کرد اما اگر مشتق باشد، یا مصدر مجرد صورت فعلی رَبَّ يَرْبُ (رَبًّا) بوده یا صفت مشبَّه از همان فعل،^۳ که در هر دو حالت در معنای فاعلی کاربرد یافته است. در هر حال برای پی بردن به اشتقاق واژه «رب»، لازم است ابتدا معنای صورت‌های فعلی ریشه ربب روشن شود.

۱-۱. کاربردهای فعلی ریشه ربب

در منابع لغوی متقدم ۱۰ معنا برای صورت‌های فعلی ریشه مضاعف ربب یافت شده است، که در ادامه همراه با برخی از واژه‌های اشتقاق یافته از هر یک از آن معانی می‌آید. گفتنی است در ترتیب ذکر معانی، تقدم و تأخر منابع مورد توجه بوده و تلاش شده است ضمن درج معانی نزدیک به هم در یک دسته، وجوه تمایز هر معنا از سایر معانی آشکار شود و معنایی که ساخت یا کاربرد متأخرتری دارند بازشناسانده شوند.

نخست: جَمَعَ يَجْمَعُ

معنای نخست «جمع کردن» و «گرد هم آوردن» است که واژه‌هایی مانند «ربابه» به معنای «پارچه‌ای چرمی که تیرها را در آن جمع می‌کنند» (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۵۹؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷؛ زهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۸۰) یا «مجموعه تیرها» (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲)، «مَرَبَّ» به معنای «مکان گرد هم‌آیی» و «فرد گرد هم آورنده» مردم (زهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۷۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲)، «رباب/ربابه» به معنای «عهد و پیمان» که موجب گرد هم آمدن گروه‌هایی از مردم می‌شود (زهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۷۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۳؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷) و «أَرَبَّ» جمع «رَبَّ» به معنای «گروه‌های مردم» (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۳، ص ۱۲۸۷؛ زهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۷۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۳) یا «هم‌پیمانان» (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷) از آن اشتقاق یافته‌اند. در همین معنا، هم کاربردهای فعلی مجرد (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۵۹؛ زهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۷۷) و هم کاربردهای فعلی مزید ریشه ربب در باب تفعّل (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۲) ذکر شده است.

دوم: أَدَامَ يُدِيمُ / مَا زَالَ لَا يَزَالُ / دَامَ يَدُومُ

معنای دوم «ادامه یافتن/ پایان‌ناپذیری» یا «پایدار بودن» بارش باران است که واژه‌هایی همچون «رباب» به معنای «ابری که مدام می‌بارد» (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۵۶؛ ابوزید، ۱۹۰۵م، ص ۱۴؛ أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۹۵؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱،

ص ۱۳۳) و «مرباب» یا «مَرَب» به معنای «زمینی که بر آن به صورت مداوم باران می‌بارد» (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۶؛ أبوعبید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۹۴) از آن اشتقاق یافته و کاربرد فعلی مزید ریشه ربب در باب افعال در معنای «ادامه یافتن» یا «پایدار بودن» باد یا ابر باران‌زا (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۶؛ ازهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۸۱؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲) نیز برگرفته از همین معناست.^۴

سوم: زَادَ يَزِيدُ

معنای سوم «افزودن» آب یا شراب به ظرف مخصوص آن است که صورت فعلی مجرد ریشه ربب در این معنا کاربرد داشته است (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۷).

چهارم: حَصَنَ يَحْضُنُ

معنای چهارم «در آغوش گرفتن» یا «شیر دادن» است که در مورد نوزاد انسان یا برخی چارپایان اهلی - کره اسب و بره گوسفند - به کار می‌رود و واژه «رَبِّي» به معنای «گوسفندی که به بره تازه‌زاده‌اش شیر می‌دهد» (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۷؛ أبوعبید، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۹۵ به نقل از اَصْمَعِي؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱) از آن اشتقاق یافته و کاربردهای فعلی ریشه ربب هم به صورت مجرد و هم مزید در باب تفعیل در این معنا آمده است (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۷).
واژه «رَبِيَّة» اگر مشتق از این معنا باشد به معنای «دایه» است (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱).

پنجم: أَصْلَحَ يَصْلِحُ / أْتَمَّ يَتِمُّ / تَمَّ يَتِمُّ

معنای پنجم «نیکو ساختن» یا «به هدف مورد نظر رساندن: به تمام و کمال رساندن» است و واژه «رَب» به معنای «عصاره غلیظ شده روغن یا چربی» (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷) یا «شیره انگور و مانند آن» (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۹؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱) از آن اشتقاق یافته و در معنای «آمیختن رُب با چیزی جهت نیکو ساختن آن» هم کاربرد فعلی مجرد ریشه ربب در مواردی همچون «چرب کردن

ظروف پوستین برای جلوگیری از خشک شدن و ترک خوردن یا بدبو شدن» (أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۶۲؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷؛ أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱) و «چرب کردن قطعات چوبی که زیر کوزه‌های بزرگ نهاده می‌شود جهت جلوگیری از ترک خوردن» (أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۶۲) ذکر شده است.

هم کاربرد فعلی مزید آن در باب تفعیل در دو مورد پیشین و نیز در معنای «افزودن شیره انگور یا خرما به شراب یا عصاره غلیظ شده روغن به روغن رقیق و ناخالص جهت نیکو ساختن طعم و کیفیت آن» (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۵۷-۲۵۸). همچنین از معانی کاربرد فعلی مجرد ریشه ربب «به ثمر رساندن زمین کشاورزی، نخلستان یا هرگونه حرفه و صنعت» (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷؛ أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۷، به نقل از أصمعی؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰) و به طور کلی «نیکو ساختن همه چیز» (ابن أنباری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۷؛ أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۷) است.

ششم: أَقَامَ يَقِيمُ / لَزِمَ يَلْزِمُ

معنای ششم «اقامت کردن» یا «استقرار یافتن» در یک مکان است که هم در مورد انسان (أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶۸۷، به نقل از أبو زید؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷) و هم در مورد شتر (أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۳۳، به نقل از کسائی؛ أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۸۱؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲) به کار می‌رود و در این معنا، هم صورت فعلی مجرد ریشه ربب (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷) و هم صورت مزید آن در باب افعال (أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶۸۷، به نقل از أبو زید؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷؛ أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۸۱؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲) کاربرد دارد.^۵

هفتم: رَبِّي يُرِيّ

معنای هفتم «تربیت کردن» یک فرد یعنی «به نیکی و به هدف و کمال رساندن» آن فرد است که همان معنا و کاربرد ریشه ناقص ربو در باب تفعیل است و در این معنا، کاربردهای فعلی ریشه ربب هم به صورت مجرد (أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۱۸، به نقل از أبو زید؛ ازهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۸۰، به نقل از أصمعی؛ ابن أنباری، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰) و هم مزید در باب‌های تفعیل (أبو حاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۷؛ ابن أنباری، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰)، تفعّل (ابن أنباری، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰) و افتعال (ازهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۸۰، به نقل از أصمعی) ذکر شده است. به گفته برخی، کاربردهای فعلی ریشه ربت در باب تفعیل نیز به همین معناست (أبو عبید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۱۸، به نقل از أبو زید؛ أبو حاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۷؛ ابن أنباری، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۳). واژه «ربیبه» اگر مشتق از این معنا باشد به معنای «فردی که دیگری او را به نیکی و کمال می‌رساند» (أبو حاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۷؛ ابن أنباری، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۲) است.^۶

هشتم: قَامَ بِهِ / عَلَيْهِ يَقُومُ

معنای هشتم «به پای کسی یا چیزی ایستادن/ نسبت به کسی یا چیزی اهتمام ورزیدن» است و در این معنا تنها کاربرد فعلی مجرد ریشه ربب ذکر شده است (ازهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹؛ أبو حاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۷). واژه «ربیبه» اگر مشتق از این معنا باشد به معنای «فرزندی که شوهر مادرش به پای او ایستاده/ نسبت به وی اهتمام می‌ورزد» (ازهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۲) است.

نهم: سَاسَ يَسُوسُ

معنای نهم «تحت سرپرستی و مدیریت قرار دادن» گروهی از افراد جامعه است که جوهری این معنا را برای کاربرد فعلی مجرد ریشه ربب بر اساس روایتی منقول از

صفوان بن أمیه (د. ۴۱ق) در بازگشت از جنگ حنین در سال هشتم هجری^۷ ذکر کرده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰).

دهم: کان له ربًا یکون

معنای دهم «رب بودن» برای فردی یا گروهی از افراد است. در این معنا کاربرد فعلی مجرد ریشه ربب برگرفته از صورت اسمی «رب» - به معنای «کسی که نسبت به فردی/گروهی سروری می‌کند و مالکیت و سرپرستی وی/آنان را در اختیار دارد» - دانسته شده است (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۶؛ قس: ابن أنباری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۱-۸۲ که با توجه به روایت صفوان (لأن یربني رجل من قریش أحبّ إلی من أن یربني رجل من هوازن) و کاربرد «رب» در معنای «سید مطاع» می‌گوید: «فمعناه: لأن یملکني»).

این معنا نیز علاوه بر روایت صفوان بن أمیه، بر روایتی منقول از عبد الله بن عباس (د. ۶۸ق) در گفتگو با عبدالله بن زبیر و مخالفت با ادعای خلافت وی در سال ۶۵ هجری^۸ مبتنی شده است (نک: ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۰۱).

همان گونه که آمد، در منابع لغوی متقدم می‌توان ۱۰ معنا برای کاربردهای فعلی ریشه ربب و اسامی اشتقاق یافته از آن‌ها یافت. به گفته فرهنگ‌نویسان مسلمان، از برخی از آن معانی - همچون معنای نخست (جَمَعَ یَجْمَعُ) - واژه‌های متعددی مشتق شده‌اند و در مورد اشتقاق برخی واژه‌ها - مانند «ربیبه» - اختلاف نظر هست. برخی از معانی بیان شده توسط فرهنگ‌نویسان در مواردی به هم نزدیک می‌شوند اما برای هرکدام موارد کاربردی هم بیان شده که آن معانی را از یکدیگر متمایز می‌کند. از جمله معنای پنجم (أصلح یُصلِحُ) که به معنای هفتم (رَبَّی یربُّی) نزدیک است با این تفاوت که معنای پنجم در مورد اشیاء و اموال (بی‌جان) فرد راب آمده ولی معنای هفتم در مورد افراد مرتبط با وی آمده است.

معنای هشتم (قَامَ بِهِ / عَلَیْهِ یَقُومُ) را می‌توان جمع بین این دو معنا دانست، هرچند به نظر می‌رسد این معنا کمی متأخرتر از معانی پیشین بوده باشد و متأثر از تلاش برخی فرهنگ‌نویسان جهت تقریب بین معانی مختلف ریشه ربب (نک: أبو حاتم رازی،

۱۴۱۵ق، ص ۱۹۷، که می‌گوید: «التربیه هو القیام علیه بالصّلاح حتّی یبلّغ المراد... و کذلک ربّ المال یقوم بإصلاحه» و در معنای فراز «رَبُّ إِبْلِ أَنْتَ أُمُّ رَبُّ عَنَّمِ» از روایتی نبوی (ص) می‌گوید: «یعنی أَنَّهُ مالکها و القائم علیها»؛ همچنین نک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۳، که تلاش کرده معانی مختلف ریشه رب ب - از جمله این سه معنا - را در ذیل یک معنای واحد گرد آورد).

در این میان، دو معنای آخر (ساسَ یَسُوسُ؛ کَانَ لَهُ رَبًّا یَکُونُ) جالب توجه‌اند از این روی که به طور مشخص برگرفته از صورت اسمی «رَبّ» بوده و بر اساس آن‌ها، از معانی صورت فعلی رَبّ یربُّ «رَبّ بودن» دانسته شده است هرچند چنین کاربردی، بنا به شواهد مورد استناد منابع بیانگر این معنا، مربوط به دوره پس از اسلام - در یک نمونه مربوط به جنگ حنین در سال هشتم هجری و در نمونه دیگر مربوط به دوران خلافت عبد الملک بن مروان در سال ۶۵ هجری - است.

۲-۱. کاربرد صورت اسمی «رَبّ»

برای روشن شدن امکان اشتقاق صورت اسمی «رَبّ» از معانی صورت‌های فعلی پیش‌گفته، باید دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان متقدم در مورد معنای «رَبّ» مرور شود که در ادامه، ماحصل دیدگاه‌های آنان می‌آید:

خلیل و ابن درید واژه «رَبّ» را در مورد خدا و غیر خدا به معنای «مالک» دانسته‌اند (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۵۶؛ ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۶۷) و خلیل (۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۵۶) اضافه کرده که «رَبّ» در مورد غیر خدا به طور مضاف به کار می‌رود.

ابوحاتم رازی «رَبّ» را به معنای «مالک» و همچنین به معنای «سید» دانسته و گفته است که در مورد غیر خدا به طور مطلق (ذواللام یا غیر مضاف) به کار نمی‌رود، چرا که غیر خدا تنها مالک داشته‌های خودش بوده و مالک همه چیز به طور مطلق نیست و از همین رو باید به آنچه دارد اضافه شود. وی همچنین مبدأ اشتقاق واژه «رَبّ» را «تربیه» دانسته است، چرا که «سیاسة» و «تدبیر» را در معنای «مالک» نهفته دانسته و

«سرپرستی کردن، مدیریت کردن و نظارت مستمر داشتن» بر مملوک را به منزله «تربیه» آن/ او دانسته است (أبو حاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۵-۱۹۷).^۹

این انباری هر چند معنای اصلی «ربّ» را «مالک» دانسته و «ربّ العالمین»^{۱۰} را به «مالک العالمین» معنا کرده است (ابن انباری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۱) اما به جز معنای «مالک: دازا»، دو معنای دیگر را هم برای واژه «ربّ» برشمرده است: معنای «السید المطاع: سرور و صاحبی که مورد اطاعت است» و معنای «المُصلِح: اصلاح کننده و نیکو سازنده»، که این معنای اخیر را بر کاربرد فعلی مجرد ریشه ربب در معنای «إصلاح» مبتنی دانسته است (ابن انباری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۷. قس: ابن انباری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۱-۸۲، که در معنای روایت صفوان (لأن یربّنی رجل من قریش ...) می‌گوید: «فمعناه: لأن یملکنی»، ولی در ادامه این معنا را به عنوان یک احتمال ذکر کرده و این کاربرد را نه در ذیل «ربّ» به معنای «مالک» بلکه در ذیل «ربّ» به معنای «سید مطاع» آورده است و بر خلاف کاربرد «ربّ» در معنای سوم (مصلح) که به مبدأ اشتقاق تصریح کرده، در اینجا چنین تصریحی ندارد).

ازهری و جوهری نیز معنای واژه «ربّ» را در مورد خدا و غیر خدا «مالک» دانسته‌اند با همان قید لزوم کاربرد غیر مطلق (غیر ذواللام یا مضاف) در مورد غیر خدا (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۶؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰). البته ازهری در بیان معنای فراز «اذکرُنی عند ربّک» در آیه ۴۲ سوره یوسف، «ربّ» را به معنای «مَلِک: پادشاه» هم دانسته (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۶) و جوهری چنین گفته است که در جاهلیت، «ربّ» در معنای «مَلِک: پادشاه» کاربرد فراوان داشته است هرچند تنها شاهدی که برای این معنا آورده، بیتی منسوب به حارث بن حلّزه (د. ۵۸۰م) - از شاعران معلقات سبع - است: «و هو الربُّ و الشهیدُ علی یو ... م الحیارین و البلاء بلاء»^{۱۱} (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰).

بر اساس آنچه در منابع لغوی متقدم آمده است، واژه «ربّ» در زبان عربی به معنای «مالک» بوده و به گفته برخی فرهنگ‌نویسان، پیش از نزول قرآن کریم در معنای «مَلِک: پادشاه» نیز به کار می‌رفته است. به غیر از دو منبع، در منابع بررسی شده مبدأ اشتقاقی برای «ربّ» دانسته نشده و پس از بیان معنای آن، به بررسی کاربردهای فعلی

ریشه مضاعف رب ب بدون هیچ توضیحی در مورد اشتقاق یا عدم اشتقاق واژه «رب» از هر یک از آن کاربردهای فعلی پرداخته شده است؛ هرچند این دو منبع نیز در این به اره هم نظر نیستند و یکی - ابو حاتم رازی - مبدأ اشتقاق «رب» را «تریبه»^{۱۲} و دیگری - ابن انباری - «إصلاح»^{۱۳} دانسته است. البته در وجه جمع این دو نظر می توان گفت که «تریبه» متضمن معنای «إصلاح» است اما نمی توان از نظر دور داشت که «تریبه» از ریشه ناقص رب و است و نه از ریشه مضاعف رب ب.

۱-۳. امکان جمع بین کاربردهای فعلی ریشه رب ب و صورت اسمی «رب»

از فرهنگ‌نویسان متقدم، ابن فارس بیشترین تلاش را مبذول داشته است تا معانی مختلف کاربردهای فعلی ریشه مضاعف رب ب را به هم پیوند داده و آن‌ها را به یک معنای واحد بازگرداند:

«الراء و الباء يدلّ علی أصول؛ فالأول: إصلاح الشیء و القيام علیه - فالرب: المالك و الخالق و الصاحب - و الرب: المصلح للشیء. يقال رَبَّ فلانٌ ضیعتها إذا قام علی إصلاحها، و هذا سقاء مربوب بالربّ، و الربّ للعنب و غیره لأنّه یربُّ به الشیء، و قرَسٌ مربوب... و الربّ: المصلح للشیء؛ والله جلّ ثناؤه الربّ، لأنّه مصلح أحوال خلقه... و ربّیتُ الصبیّ أرْبُهُ و ربّیتُهُ أرْبِيهِ؛ و الربیبة: الحاضنة؛ و ربیب الرجل: ابن امرأته، و الرباب: الذی یقوم علی أمر الربیب...» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲).

همان گونه که مشاهده می شود، ابن فارس معنای اول ریشه رب ب را «نیکو ساختن» چیزی و «اهتمام ورزیدن» نسبت به کسی یا چیزی دانسته - معانی پنجم و هشتم از کاربردهای فعلی پیش گفته - و با این که ابتدا معنای «رب» را «مالک و خالق و صاحب» دانسته اما در ادامه، معنای آن را بر اساس کاربردهای فعلی ریشه رب ب در دو معنای پیشین، به «مصلح» بازگردانده است.

«و الأصل الآخر: لزوم الشیء و الإقامه علیه، و هو مناسب للأصل الأول. يقال أرْبَتْ السحابة بهذه البلده إذا دامت؛ و أرض مَرَبٍ: لا یزال بها مطر، و لذلك سُمّی السحاب ربابا... و من الباب الشاء الربیّ التي تُحتبس فی البیت اللبن، فقد أرْبَتْ إذا لازمت البیت

- و يقال هي التي وضعت حديثا، فإن كان كذا فهي التي تُربّي ولدها، و هو من الباب الأوّل - و يقال الإرباب: الدنوّ من الشيء؛ و يقال أربّت الناقة إذا لزمت الفحل و أحبّته، و هي مُربّ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۲).

ابن فارس معنای دوم ریشه ربب را «همراه چیزی بودن» و «در یک مکان استقرار یافتن» دانسته - معنای ششم از کاربردهای فعلی پیش گفته - و آن را با برخی کاربردهای فعلی ریشه ربب از جمله «پایدار بودن باد یا ابر باران‌زا» - معنای دوم از کاربردهای فعلی پیش گفته - پیوند داده است، بدون آن که به چگونگی این پیوند تصریح کند. وی در مورد اشتقاق واژه «رَبِّي» نیز بین معانی اول و دومی که برای ریشه ربب برشمرده - معانی ششم و هشتم از کاربردهای فعلی پیش گفته - مردد بوده و همچنین پیوند معنای «ربّ» را با این معنای دوم روشن نساخته است.

«و الأصل الثالث: ضمّ الشيء للشيء، و هو أيضا مناسب لما قبله، و متى أنعم النظر كان الباب كلّه قیاسا واحدا. يقال للخِرْقَةُ التي يُجَعَلُ فيها القِداح: رَبَابَةٌ... و من هذا الباب الرِّبَابَةُ: و هو العهد، يقال للمعاهدین: أَرْبَةٌ... و سُمِّيَ العهد رَبَابَةً لِأَنَّهُ يَجْمَعُ و يُؤَلَّفُ... و من الباب الثالث الرَّبِّ و هو الماء الكثير، سُمِّيَ بذلك لاجتماعه» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳).

ابن فارس معنای سوم ریشه ربب را «پیوند دادن چیزی به چیز دیگر/ گرد هم آوردن دو یا چند چیز» دانسته - معنای نخست از کاربردهای فعلی پیش گفته - و برخی مشتقات ریشه ربب را به آن پیوند داده است اما در اینجا نیز به چگونگی پیوند معنای واژه «ربّ» با این معنای سوم اشاره نکرده است.

هرچند ابن فارس در پایان بررسی کاربردهای مختلف ریشه ربب، بر بازگشت هر سه معنای مورد اشاره‌اش به یک معنای واحد تأکید کرده است اما این معنای واحد را تبیین نکرده و به تبع آن پیوند واژه «ربّ» را نیز با آن معنای واحد - همچون پیوند «ربّ» با دو معنای آخر - مسکوت گذاشته است. در نهایت می‌توان در بیان دیدگاه ابن فارس چنین گفت که وی نیز واژه «ربّ» را به معنای «مالک و صاحب» می‌داند اما در پی یافتن مبدأ اشتقاق آن، همچون ابن انباری، «ربّ» را مشتق از کاربرد فعلی رَبَّ يَرْبُ در معنای «إصلاح» دانسته است.

در مقابل ابن فارس - که به یافتن پیوند میان کاربردهای مختلف ریشه ربّ توجه داشته - ابو هلال عسکری به تفاوت میان «ربّ» با واژه‌های «مالک»، «سید» و «قادر» پرداخته است. وی هرچند «ربّ» را متضمن معنای «مالک» دانسته اما توصیف کردن فردی با وصف «ربّ» را استوارتر از توصیف کردن وی با وصف «مالک» دانسته است چرا که «ربّ» را بیانگر «قدرت داشتن بر سرپرستی و مدیریت مملوک» می‌داند. بر این اساس، «ربّ» اولاً متضمن معنای «مُلک: مالکیت داشتن» و «تدبیر: سرپرستی کردن» بوده و در نتیجه «ربّ»، مورد اطاعت نیز است. اما به گفته وی وصف «مالک» به معنای «در حکم مالک بودن» هم است، مانند کودک که در حکم مالک چیزی می‌تواند باشد اما قدرت تصرف در آن را ندارد و از همین روست که توصیف غیر خدا با «ربّ» شایسته نیست. وی «ربّ» را ثانیاً متضمن معنای «مصلح» نیز دانسته و بر این اساس، «ربّ» را بیانگر سرپرستی فردی یا چیزی تا رسیدن به سرانجام نیکویش نیز دانسته است (ابو هلال عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۷).

ابو هلال همچنین «سید» را مالک و صاحب کسی دانسته که باید از وی اطاعت کند نه مالک به طور عام (ابو هلال عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۸). بر عکس، «قادر» را عام دانسته و بر هر امری که توانایی انجام آن باشد قابل اطلاق می‌داند اما «ربّ» را تنها بر امر مقدوری که قابل تصرف و تدبیر و سرپرستی باشد قابل اطلاق دانسته است (ابو هلال عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۷).

۴-۱. ارزیابی دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان

در جمع‌بندی دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان متقدم می‌توان گفت:

اولاً، تمامی فرهنگ‌نویسان واژه «ربّ» را به معنای «مالک» دانسته‌اند.

ثانیاً، بیشتر فرهنگ‌نویسان مبدأ اشتقاقی برای واژه «ربّ» در نظر نگرفته یا دست‌کم در این زمینه سکوت کرده‌اند؛ تنها سه نفر در این به اره نظر داده‌اند که دو نفر - ابن انباری و ابن فارس - «ربّ» را مشتق از کاربرد فعلی مجرد ریشه ربّ (رَبَّ يَرْبُ رَبًّا) در معنای «أَصْلَحَ يُصْلِحُ إِصْلَاحًا» دانسته‌اند و نفر سوم - أبو حاتم رازی - رَبَّ يَرْبُ رَبًّا را به معنای «رَبِّي يُرَبِّي تَرْبِيَةً» (کاربرد فعلی مزید ریشه ناقص رب و در باب

تفعیل) و واژه «رب» را مشتق از «تریبه» دانسته است و هرچند وی «تریبه» را در پیوند با «صلاح» و «إصلاح» معنا کرده اما چگونگی پیوند میان ریشه مضاعف ربب و ریشه ناقص رب و را مسکوت گذاشته است.^{۱۴}

ثالثاً، برخی از فرهنگ‌نویسان نه تنها صورت اسمی «رب» را برگرفته از صورت فعلی رَبُّ يَرْبُ ندانسته‌اند، بلکه یکی از معانی صورت فعلی مجرد رَبُّ يَرْبُ را - با توجه به روایاتی مربوط به دوران پس از نزول قرآن کریم - «رب بودن» دانسته و صورت فعلی مجرد رَبُّ يَرْبُ را برگرفته از صورت اسمی «رب» دانسته‌اند.

با توجه به اتفاق نظر فرهنگ‌نویسان متقدم در معنا کردن واژه «رب» به «مالک» و با در نظر گرفتن دیدگاه مشترک آنان در اشتقاق - که علاوه بر قرابت ریشه، قرابت معنا نیز لازم است - انتظار می‌رفت که در منابع لغوی متقدم دست‌کم یکی از معانی صورت‌های فعلی ریشه ربب، «مَلِكٌ يَمْلِكُ» دانسته می‌شد و کاربردهای فعلی یا اسمی برخی واژگان اشتقاق یافته از ریشه ربب در این معنا به چشم می‌خورد؛ اما چنین نبوده و به نظر می‌رسد نخستین فرهنگ‌نویسی که به این معنا برای کاربرد فعلی مجرد رَبُّ يَرْبُ تصریح کرده، ابن سیده (د. ۴۵۸ق) در المحکم و المحيط است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۳۳).^{۱۵}

هرچند وی - و به تبع او ابن منظور (۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۰۰) - برای این معنا تنها به یک بیت منسوب به علقمه بن عبده - مشهور به اعلقمه الفحل، از شاعران دوره جاهلی زنده در ۵۳۰م (فاخوری، ۱۳۸۹ش، ص ۱۴۴) - استناد کرده است: «و أنت امرؤ أفضت إليك أمانتی ... و قبلک ربّتی فضعت رُبوب» (قس: جوهری، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۳ و ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۳، که همین بیت را به عنوان شاهد مثال برای «الرّبایه» در معنای «العهد و الميثاق» آورده‌اند با این تفاوت که در مصراع اول به جای «أمانتی»، «رِبایتی» آورده و آن را با رَبَّتْ و رُبوب در مصراع دوم پیوند داده‌اند).

۱-۵. کاربرد صورت‌های اسمی «رَبّانی» و «رَبّی»

در پایان این بخش، از آنجا که در قرآن کریم دو واژه «رَبّیون: ج رَبّی»^{۱۶} و «رَبّانیون/ رِبّانیین: ج رَبّانی»^{۱۷} به کار رفته و بیشتر فرهنگ‌نویسان متقدم این دو واژه را نیز عربی و

از ریشه رب ب دانسته‌اند، به اختصار اقوال آنان مرور می‌شود؛ هر چند دیدگاه‌های آنان در مورد این دو واژه متنوع و متشتت است و برخی، یکی یا هر دوی این واژه‌ها را برگرفته از صورت اسمی «رب» دانسته‌اند و برخی دیگر، برگرفته از صورت‌های اسمی دیگر. برخی هم اساساً بدون تصریح به اشتقاق، آن دو را معنا کرده‌اند.

برخی از فرهنگ‌نویسان متقدم «رَبِّی» را منسوب به «ربوبیّه» دانسته (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۵۶، هرچند وی رَبِّیون را به «کسانی که همراه با پیامبران صبر کرده‌اند» معنا کرده است) و برخی منسوب به «رب» دانسته‌اند (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۸، به نقل از أخفش و سیبویه)، که در این صورت می‌بایست رَبِّی (مفتوح) می‌بود (أزهری، ۱۹۶۷م، ص ۱۷۹)، که به نقل از ابن انباری چنین قرائتی را به ابن عباس نسبت داده است).

برخی دیگر رَبِّی را منسوب به «رَبَّیَّة» به معنای «تعداد زیادی از افراد» (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۸، به نقل از زجاج) و یا به معنای «هزاران / ده‌هزار فرد» (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۷-۱۷۸، به نقل از فراء و برخی دیگر از لغویان) دانسته‌اند. برخی هم اصل واژه را رَبِّیون (مضموم؛ أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹، که به نقل از ابن انباری چنین قرائتی را به حسن بصری و برخی دیگر نسبت داده است) و منسوب به «رَبَّیَّة» - برگرفته از واژه «رُب» و - به معنای «خیری که همواره همراه فرد است» یا به معنای «ده هزار فرد» (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹، به نقل از ابن انباری و برخی دیگر از لغویان) دانسته‌اند.

برخی دیگر نیز بدون پیوند دادن رَبِّی به واژه‌ای دیگر، آن را به معنای «دانشمندان پرهیزکار و شکیب» (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۸، به نقل از برخی لغویان)، «هزاران فرد از مردم» (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲) یا به معنای «رب‌شناس» دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۲).

در مورد «رَبَّانی» نیز به همین ترتیب، برخی از فرهنگ‌نویسان متقدم آن را منسوب به «رَب» دانسته‌اند با این توضیح که اضافه شدن الف و نون به ربّانی را به دلیل منسوب بودن آن به «علم رب» در مقابل سایر علوم دانسته‌اند، مانند واژه‌های شعرانی و لحنی و ربّانی که به ترتیب منسوب به فراوانی شَعْر (مو) و بلندی ریش (لحیه) و کلفتی

گردن (رقبه) اند و نه منسوب به خود آن واژه‌ها؛ و بر این اساس ربّانی را «متّصف به دانش رب» معنا کرده‌اند (أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۸، به نقل از سیبویه).

برخی دیگر ربّانی را برگرفته از صورت فعلی رَبَّ يَرْبُ در معنای «به پای کسی / چیزی ایستادن» دانسته‌اند و بر این اساس ربّانی را به «کسی که به پای علم ایستاده: کسی که به علم و دانش اهتمام می‌ورزد» معنا کرده‌اند (أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹، به نقل از برخی لغویان). برخی دیگر نیز بدون انتساب ربّانی به واژه‌ای دیگر، آن را به معنای «دانشمند»، «دانشمندی که در بالاترین درجه دانش است» و «دانشمندی که مردم را مرحله به مرحله از دانش خود بهره‌مند می‌کند» دانسته‌اند (أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۸-۱۷۹، به نقل از برخی لغویان).

برخی دیگر معنای ربّانیون را با «أخبار» مقایسه کرده و گفته‌اند که ربّانیون به معنای «عالمان به حلال و حرام و امر و نهی خدا: عالمان به احکام شرعی» بوده و أخبار به معنای «عالمان به اخبار پیشینیان و هر آنچه بوده و خواهد بود» است (أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹، به نقل از أبو عبید و برخی دیگر از لغویان). برخی نیز بدون بیان هیچ نوع ارتباطی، ربّانی را به معنای «رییس دریانوردان» دانسته‌اند (أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹، به نقل از برخی لغویان) و برخی دیگر، ربّانی را «خدانشناس» معنا کرده‌اند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲).

در این میان، أبو عبید در مورد این دو واژه نظر متفاوتی داشته است. به گفته ابو حاتم رازی، أبو عبید دو واژه «ربّانیون» و «ربّیون» را عربی نمی‌دانسته بلکه سریانی می‌دانسته است (أبو حاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۲. قس: سیوطی، بی‌تا، ص ۹۰-۹۱، که پس از روایت از أبو عبید، چنین دیدگاهی را به خود ابو حاتم رازی هم نسبت داده است). از هری هم از أبو عبید نقل کرده که وی واژه «ربّانی» را عربی نمی‌دانسته و احتمال می‌داده که عبری یا سریانی باشد؛ چرا که به گفته وی این واژه در میان مردم شناخته نبوده و تنها اهل علم آن را می‌شناخته‌اند (أزهري، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۹).

۲. بازخوانی منابع تفسیری و کلامی

مفسران عموماً در ذیل آیه دوم سوره فاتحه الکتاب به تفسیر معنای «رب» پرداخته‌اند. متکلمان نیز در کتاب‌های شرح اسماء الله غالباً به شرح روایت معروف نبوی (ص) که ۹۹ اسم از اسماء الحسنی را فهرست‌وار بیان کرده^{۱۸} پرداخته‌اند و از آنجا که در منابع اهل سنت اسم «رب» در میان ۹۹ اسم نبوده است، برخی از متکلمان سنی به طور مستقل به این اسم نپرداخته‌اند.^{۱۹} برخی دیگر پس از شرح اسم جلاله «الله» یا در دسته‌بندی‌هایی موضوعی از اسماء الحسنی، اسم «رب» را شرح کرده‌اند.^{۲۰}

با توجه به اینکه اولاً، هم مفسران و هم متکلمان فریقین در معنای «رب» در درجه اول به فرهنگ‌های متقدم استناد کرده‌اند و تفاوت اساسی چندانی میان دیدگاه‌های متقدمان و متأخران - با گرایش‌های مختلف - در معنا و اشتقاق «رب» دیده نشده است و ثانیاً، در ادامه به برخی نکات مهمی که گروهی از مفسران و متکلمان اضافه بر اقوال پیشینیان خود بیان کرده‌اند پرداخته می‌شود، در این بخش بررسی محدود به بازه زمانی یا گرایش خاصی نشده است.

۲-۱. دیدگاه‌های مفسران و متکلمان در معنا و اشتقاق «رب»

عموم مفسران و متکلمان مسلمان در این که واژه «رب» به طور مطلق (ذو اللام یا غیر مضاف) تنها در مورد خدا به کار می‌رود و همچنین در این که «رب» به معنای «مالک» است اتفاق نظر دارند (از جمله نک: ابن قتیبه، ۱۳۹۸ق، ص ۹؛ نخاس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۹؛ زمخشری، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۵۳؛ فخر رازی، ۱۳۹۶ق، ص ۱۳۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱. قس: بیضاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲ و خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳۷، که «مالک» را نه معنای اصلی «رب» بلکه برگرفته از معنای «تربیه» دانسته‌اند). پس از معنای «مالک»، بیشتر مفسران و متکلمان دست‌کم یکی از این سه معنا را نیز در معنای «رب» بیان کرده‌اند: «مصلح»، «سید/ سید مُطَاع» و «مرتبی» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۳؛ زجاجی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۰؛ بیهقی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲؛ سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۶؛ سورآبادی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۲۰؛ میدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن عطیه،

۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸؛ ابن عربی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۷۵؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷؛ ابن جزّی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۴؛ أبو حیّان، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۲۶؛ خویی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۵۳؛ مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۳۲). گفتنی است ذکر این سه معنا در کنار هم - همان گونه که در بخش پیش آمد - برگرفته از دیدگاه ابن أنباری است.

معانی دیگری که در بیان برخی مفسران درباره «ربّ» آمده عبارت است از:

۱- «صاحب» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۰؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸؛ أبو حیّان، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۲۶)؛

۲- «القائم بالأمر» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۰۹؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن عطیة، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۷. قس: قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷)؛

۳- «معبود» (ابن عطیة، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۷؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷؛ أبو حیّان، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۰. قس: ابن جزّی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۸، که «إله» را معنای ارجح برای «ربّ» دانسته است)؛

۴- «الثابت» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸؛ أبو حیّان، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۰. قس: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۰، که به نقل از حسین بن فضل گفته: «الربّ: اللبث من غیر إثبات أحد» و در ادامه، همین معنا را برای «ربّ» برگزیده است)؛ و چند معنای متفرد دیگر.^{۲۱}

«تدبیر/ مدبّر بودن»، معنای دیگری است که برخی متکلمان و مفسران یا به طور مستقل یا ضمن معنای «مالک» برای «ربّ» ذکر کرده‌اند. از متکلمان می‌توان حلیمی (۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۵) و بیهقی (۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۴) را نام برد که اسم «ربّ» را در ضمن بابی با نام «الأسماء التي تتبع أسباب التدبیر له دون ما سواها» آورده‌اند. از مفسران هم میبدی (۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲)، قرطبی (بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷) و طریحی (۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۲۶) معنای «مدبّر» را همراه با معنای «مالک» ذکر کرده‌اند. شیخ طوسی (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲) معنای «المالک لتدبیرهم» را برای «ربّ العالمین»

آورده است و علامه طباطبایی معنای «ربّ» را «مالک مدبّر» دانسته و مالکیت حقیقی را غیر قابل انفکاک از تدبیر دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱).^{۲۲}

موسوی سبزواری ابتدا «ربّ» را از برترین اسماء الله و بلکه اصل و اساس سایر اسماء الله دانسته است^{۲۳} و در پی آن، معنای مالکیت الهی را از ربوبیت حقیقی خدا که ناشی از حکمت کامل وی است متمایز دانسته و در نهایت اسم «ربّ» را با تدبیر الهی پیوند داده و دربرگیرنده تمامی صفات فعل خدا دانسته است؛ چرا که به گفته وی تمامی افعال خدا از تدبیر و تربیب وی انشعاب یافته‌اند و بر این اساس، «ربّ» مظهر رحمت و خلقت و قدرت و تدبیر و حکمت الهی است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸).

برخی از مفسران، «ربّ» را از صفات ذات خدا دانسته‌اند در صورتی که به معنای «سید» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷)، «مالک» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷) یا «ثابت» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸) باشد؛ و از صفات فعل خدا دانسته‌اند در صورتی که به معنای «مدبّر» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷)، «مصلح» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸) یا «مرئی» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷) باشد. همان گونه که گفته شد موسوی سبزواری (۱۴۰۹ق، ص ۲۸) اسم «ربّ» را اصل و اساس سایر اسماء الله و دربرگیرنده تمامی صفات فعل خدا دانسته است.

بیشتر مفسران و متکلمان به مبدأ اشتقاق واژه «ربّ» تصریح نکرده‌اند. برخی «ربّ» را مشتق از کاربرد فعلی مضاعف رَبَّ فُلَانٌ بِالْمَكَانِ (به معنای اقام به) دانسته و بر این اساس «ربّ» را به «دائم الوجود» (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲) و «الثابت من غیر إثبات أحد» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۶۸، به نقل از حسین بن فضل) تفسیر کرده‌اند. برخی دیگر «ربّ» را مشتق از «تربیه» دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۵؛ فخر رازی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۸. قس: بیضاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۱-۵۲، که «ربّ» را در اصل مصدری به معنای «تربیه» و

«تربیه» را «تبلیغ الشیء إلى کماله شیئا فشیئا» دانسته است؛ قرطبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷، که چنین احتمال داده است).

برخی متکلمان هم به اشتقاق «ربّ» از «تربیه» تصریح نکرده اند هرچند اسم «ربّ» را در پیوند با «تربیه» معنا کرده‌اند؛ همچون حلیمی (۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۲۰۵)، که در معنای اسم «ربّ» چنین گفته: «و هو المبلّغ کلّ ما أبدع حدّ کماله الذی قدره له» - که به معنای «تربیه» نزدیک است - و ملاحادی سبزواری (بی تا، ج ۱، ص ۳۱)، که گفته است: «الربّ یُطلق علیه تعالی به اعتبار تربیته للأشیاء فی السلسله السعودیه».

مصطفی خمینی هرچند به تمایز ریشه «ربّ» از «تربیه» توجه داشته اما معانی مختلفی که برای «ربّ» ذکر شده است را داخل در معنای واحد «تربیه» دانسته است؛ چرا که به گفته وی معنایی مانند «سید»، «مطاع»، «مالک»، «مصلح» و «متمم» همگی متضمن «تربیه» به معنای «إخراج الشیء من النقص إلى الكمال» اند.^{۲۴}

بر همین اساس، وی تفسیر «ربّ» را به «ثابت»، «معبود»، «سید» و مانند آن نادرست دانسته و معنای صحیح «ربّ» را معنایی دانسته است که به معنای واحد «تربیه» بازمی‌گردند (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۹).

گفتنی است برخی از مفسران، اسم «ربّ» را اسم اعظم الهی دانسته‌اند (مبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲، به نقل از أبو الدرداء؛ نسفی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰. نیز: قرطبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷ و ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۵، به نقل از برخی دانشمندان).

۲-۲. دیدگاه‌های مفسران در معنای «ربّانی» و «ربّی»

در پایان این بخش لازم به ذکر است دیدگاه‌های مفسران در مورد واژه‌های «ربّانی» و «ربّی» نیز عمدهً برگرفته از اقوال پیش‌گفته فرهنگ‌نویسان - با همان تعدد و تشتت آراء - بوده است و در مورد انتساب آن دو به واژه «ربّ»، تنها برخی از مفسران اظهار نظری صریح داشته‌اند؛ از جمله طوسی (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۱۱، به عنوان یکی از دو احتمال)، أبو المظفر سمعانی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳۵)، سورآبادی (۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۲۹۶)، زمخشری (۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴۴۰)، ابن عطیه (۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۶۲)، قرطبی (بی تا، ج ۴، ص ۱۲۲)، بیضاوی (بی تا، ج ۲، ص ۵۶) و طباطبایی (۱۴۱۲ق، ج ۳،

ص ۲۷۶) در مورد واژه «ربّانی» (قس: طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۰، که «ربّانی» را همان «رب» دانسته است: «و الربّانی هو الربُّ، یُرَبُّ أمرَ الناسِ بتدبیرِه و إصلاحِه إیّاه، یقال رَبَّ فلانٌ أمرَه رَبابَةً و هو رَبّانٌ إذا دَبَّرَه و أصلحَه»). واژه «ربّی» را نیز سورآبادی (۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۳۴۶)، مصطفوی (۱۳۸۰ش، ج ۵، ص ۶۵) و طباطبایی (۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۱) برگرفته از/ منسوب به واژه «رب» دانسته‌اند.

۳. آسیب‌شناسی روش دانشمندان مسلمان در معناشناسی واژه «رب»

روش غالبی که فرهنگ‌نویسان متقدم در تقسیم‌بندی واژگان به کار گرفته‌اند، بر اساس ریشه‌های موجود در زبان عربی بوده است؛ بدین صورت که هر ریشه را به عنوان مدخلی در نظر گرفته و هر واژه - از مقوله‌های مختلف صرفی - را، بر اساس ریشه‌ای که برای آن متصور بوده‌اند، در ذیل مداخل مختلف جای داده‌اند (برای آگاهی اجمالی از سیر تبویب فرهنگ‌های عربی نک: صوفی، ۱۹۸۶م، ص ۳۴-۴۰).

توجه اصلی به ریشه واژه در تقسیم‌بندی واژگان - همان گونه که در بخش‌های پیشین و در بررسی موردی واژه «رب» در ذیل ریشه ربب قابل مشاهده است - گاه موجب شده است تا پیوند معنایی یک واژه با سایر واژگانی که دارای مبدأ اشتقاق یکسان دانسته شده‌اند، نادیده انگاشته شود و در نتیجه، با این که فرهنگ‌نویسان پیوند معنایی را هم در یکسانی مبدأ اشتقاق شرط دانسته‌اند اما در مقام عمل، دست‌کم در مورد برخی واژگان از جمله خود واژه «رب»، تبیین این پیوند معنایی را مسکوت گذاشته‌اند و چه‌بسا این پیوند معنایی برای آنان روشن نبوده است.

برخی فرهنگ‌نویسان با این که واژه «رب» را در ذیل ریشه مضاعف ربب جای داده‌اند، اما آن را در پیوند با «تربیه»، که از ریشه ناقص ربو است، معنا کرده‌اند و برخی کاربردهای فعلی ریشه ربب را با کاربردهای مزید ریشه‌های ربو یا ربت در باب تفعیل هم‌معنا دانسته‌اند، بدون آن که چگونگی پیوند ریشه ربب را با ریشه‌های ربو یا ربت تبیین کنند. برخی دیگر از فرهنگ‌نویسان هم - با توجه به روایاتی از دوره اسلامی - اساساً صورت اسمی «رب» را مبدأ اشتقاق برای صورت فعلی مجرد ریشه ربب دانسته‌اند.

از دیگر آسیب‌هایی که در روش فرهنگ‌نویسان مسلمان در معناشناسی واژگان به چشم می‌خورد، تمرکز قاطبه آنان بر واژگان عربی و تلاش برای عربی دانستن برخی واژگانی است که احتمال می‌رفته غیرعربی بوده باشد؛ واژه‌هایی مانند «ربّانی» و «ربّی»، که دست کم برخی از فرهنگ‌نویسان چنین احتمال داده‌اند اما بیشتر فرهنگ‌نویسان آن‌ها را عربی پنداشته و در صدد پیوند دادن آن به ریشه ربب عربی برآمده‌اند. ناگفته نماند برخی دانشمندان مسلمان در سده‌های متقدم به غیرعربی بودن برخی واژگان موجود در قرآن کریم توجه داشته و کتاب‌هایی را در این زمینه نگاشته‌اند - و برای نمونه می‌توان از کتاب اللغات فی القرآن نام برد که بر اساس روایاتی منسوب به ابن عباس نوشته شده است (این کتاب به تحقیق صلاح الدین المنجد در سال ۱۳۶۵ق به چاپ رسیده است. برای آگاهی از فهرست برخی دیگر از این کتاب‌ها نک: صوفی، ۱۹۸۶م، ص ۴۸-۴۹) - اما توجه به زبان‌های همجوار با زبان عربی، که امکان اختلاط فراهم بوده است، در رویکرد کلی فرهنگ‌نویسان دیده نمی‌شود.

از آنجا که مفسران و متکلمان در شرح و تفسیر واژگان و مفاهیم به کار رفته در قرآن کریم و از جمله واژه «ربّ»، در درجه اول به فرهنگ‌های متقدم رجوع کرده‌اند و معنای مورد نظر خود را از همان مداخل واژگانی استخراج نموده و به شرح و بسط آن پرداخته‌اند، طبعاً این نارسایی‌ها و تشتت اقوال به دیدگاه‌های آنان نیز تسری یافته است. جهت رفع نارسایی‌های موجود - چه در مواردی که چگونگی اشتقاق یک واژه و پیوند آن با ریشه یا ریشه‌های مفروض روشن نیست، و چه در مواردی که با توجه به ساخت یا معنای یک واژه، احتمال می‌رود آن واژه غیرعربی باشد - به نظر می‌رسد توجه به سایر زبان‌های همجوار با زبان عربی راهگشا باشد؛ زبان‌هایی که امروزه در زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی،^{۲۵} بر اساس شواهد تاریخی و عناصر مشترک (دستوری، لغوی و ...)، احتمال می‌رود که در سده‌های متقدم‌تر همراه با زبان عربی از یک زبان فرضی دیگر منشعب شده باشند.

از آنجا که بدون بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در معناشناسی واژگان قرآنی و آسیب‌شناسی آن، به کارگیری روش‌های نوین چندان موجه نمی‌نمود، این مقاله به موضوع پیش‌گفته اختصاص یافت و بررسی معناشناختی واژه «ربّ» با استفاده

از روش‌های نوین زبان‌شناختی و معناشناختی، موضوع مقاله‌ای دیگر خواهد بود. آنچه در اینجا و به اجمال لازم به ذکر است این که در زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، زبان عربی عضوی از خانواده زبان‌های سامی^{۲۶} دانسته می‌شود که با زبان‌هایی همچون اکدی،^{۲۷} عبری،^{۲۸} آرامی^{۲۹} و حبشی^{۳۰} هم‌خانواده است (Rubin, 2010, p. 4-6).

پیوند میان کاربردهای ریشه مضاعف ربب و از جمله واژه «رب» در زبان عربی با واژگان مشابه در سایر زبان‌های سامی به تفصیل و در مجال دیگری باید بررسی شود و در نتیجه آن، این پیوندها با برخی کاربردهای ریشه ناقص رب و نیز آشکار خواهد شد؛ اما در اینجا تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که ریشه ربب در زبان‌های مختلف سامی کاربرد داشته است و از جمله صورت فعلی /rabab/ در زبان‌های عبری (Gesenius, 1939, p. 912) و آرامی (Jastrow, 1903, v. 2, p. 1439) به معنای «بزرگ بودن/ بزرگ شدن» و «زیاد بودن/ زیاد شدن» بوده و صورت فعلی /rababa/ یا /rabba/ در زبان حبشی (Leslau, 1991, p. 460) به معنای «توسعه دادن»، «پراکندن» و «فراوان بودن» بوده است. همچنین در زبان اکدی واژه /rabū/ در کاربرد فعلی به معنای «بزرگ بودن/ بزرگ شدن»، «رشد کردن» و «زیاد شدن سود یا سرمایه» و در کاربرد وصفی به معنای «بزرگ»، «فراوان» و «والا» (Muss-Arnolt, 1905, v. 2, p. 943-946) بوده است (برای آگاهی از برخی کاربردهای ریشه ربب در خانواده زبان‌های سامی نک: مشکور، ۱۳۵۷ش، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۴).

نتیجه‌گیری

از مجموع اقوال و شواهد مورد استناد فرهنگ‌نویسان متقدم، چنین برمی‌آید که واژه «رب» - که همگی آن را از ریشه مضاعف ربب دانسته‌اند - در زبان عربی از پیش از اسلام در معنای «مالک» به کار می‌رفته است اما صورت فعلی مجرد رَبُّ رَبٌّ یا کاربردهای فعلی مزید ریشه ربب در معنای مَلِكٌ يَمْلِكُ کاربرد نداشته است و حتی برخی، مبدأ اشتقاق «رب» را «تربیه» (از ریشه ناقص رب و) دانسته‌اند. بنابراین و با توجه به دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در باب اشتقاق - لزوم قرابت توأمان ریشه و معنا - فرهنگ‌نویسان متقدم می‌بایست «رب» را واژه‌ای جامد تلقی می‌کردند چرا که از

سویی پیوند معنایی میان صورت اسمی «ربّ» با کاربردهای فعلی ریشه ربب روشن نبوده است و از سوی دیگر، پیوند میان ریشه ربب و ریشه ربو.

عموم مفسران قرآن کریم و متکلمان مسلمان نیز در این که «ربّ» به معنای «مالک» بوده است و البته به طور مطلق (ذو اللام یا غیر مضاف) تنها در مورد خدا به کار می‌رود اتفاق نظر دارند. پس از معنای «مالک»، بیشتر مفسران و متکلمان در معنای «ربّ» دست‌کم یکی از سه معنای «مصلح»، «سید/ سید مُطاع»، و «مرّبّی» را نیز بیان کرده و برخی، معنای «تدبیر/ مدبّر بودن» را یا به طور مستقل یا ضمن معنای «مالک» برای «ربّ» ذکر کرده‌اند. بیشتر مفسران به مبدأ اشتقاق واژه «ربّ» تصریح نکرده‌اند و برخی، معانی مختلفی که برای «ربّ» ذکر شده است را داخل در معنای واحد «تربیه» دانسته‌اند.

با وجود تلاش‌های برخی دانشمندان مسلمان جهت یافتن مبدأ اشتقاقی برای صورت اسمی «ربّ» از کاربردهای فعلی ریشه ربب، تلاش‌های آنان نارسا بوده و نه پیوند معنایی صورت اسمی «ربّ» را با کاربردهای فعلی ریشه ربب روشن ساخته‌اند، و نه چگونگی پیوند برخی کاربردهای ریشه مضاعف ربب را با ریشه ناقص ربو و معنای «تربیه». در مورد واژه‌های «ربّانی» و «ربّی» نیز دانشمندان مسلمان آرائی متنوع و متشتت داشته و برخی، یکی یا هر دوی این واژه‌ها را برگرفته از صورت اسمی «ربّ» دانسته‌اند و برخی اساساً بدون تصریح به اشتقاق، آن‌ها را معنا کرده‌اند. برخی هم تنها احتمال داده‌اند که این دو واژه غیرعربی باشند.

با مطالعه موردی ریشه ربب، به نظر می‌رسد روش‌های دانشمندان مسلمان در معناشناسی واژگان قرآنی دست‌کم در دو زمینه نارساست؛ یکی در جایی که چگونگی اشتقاق یک واژه و پیوند آن با ریشه یا ریشه‌های مفروض روشن نیست، و دیگری در جایی که با توجه به ساخت یا معنای یک واژه، احتمال می‌رود آن واژه غیرعربی باشد. جهت رفع نارسایی‌های موجود، نگاهی فراتر به زبان عربی و مقایسه آن با سایر زبان‌های هم‌خانواده در خانواده زبان‌های سامی راهگشاست. بنا بر این به نظر می‌رسد از ضرورت‌های معناشناسی واژگان قرآنی، استفاده از روش‌های نوین زبان‌شناسی

تاریخی - تطبیقی و معناشناسی تاریخی زبان عربی در سده‌های منتهی به دوره نزول قرآن کریم است.

یادداشت‌ها:

۱. واژه «رب» - به صورت مفرد و مضاف - در پنج مورد در ارجاع به «مَلِک / فرعون» مصر به عنوان مصداقی عینی و ملموس به کار رفته است: چهار مورد در ارجاع به «ملک» مصر در زمان حضرت یوسف (ع) در این آیات: (یوسف: ۴۱-۴۲ و ۵۰)؛ یک مورد هم در ارجاع به «فرعون» مصر در زمان حضرت موسی (ع) در: (النازعات: ۲۴).

واژه «رب» همچنین در هشت مورد در تقابل با «الله» یا «رب» معرفی شده توسط پیامبران الهی به کار رفته و به «إله / معبود» مورد ادعای مخالفان پیامبران ارجاع داشته است: سه بار - به صورت مفرد و مضاف - در: (الأعراف: ۴۴، الفرقان: ۲۱، و فصلت: ۱۴)؛ چهار بار هم - به صورت جمع و غیر مضاف - در: (ال عمران: ۶۴ و ۸۰، یوسف: ۳۹-۴۰ و التوبة: ۳۱).

۲. با وجود اتفاق نظر دانشمندان در تعریف اشتقاق، در مورد اشتقاق یافتن مصدر از فعل یا فعل از مصدر بین نحویان کوفی و بصری اختلاف نظر بوده است؛ هرچند همگی در این که اسامی مشتق قیاسی (مانند اسماء فاعل و مفعول، صفات مشبیه، اسماء مرّة و...) از فعل اشتقاق می‌یابند، متفقند. گفتنی است برخی از دانشمندان معاصر مبدأ اشتقاق افعال را نه مصادر بلکه اسامی جامد و اسماء صوت دانسته اند (آمین، ۱۹۵۶م، ص ۱۴). برای آگاهی تفصیلی از دیدگاه‌های دانشمندان در باره اشتقاق و نقد و بررسی آنها رک: طرزی، فؤاد حنا، (۲۰۰۵م)، *الاشتقاق*، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.

۳. با توجه به این که «رَبّ» از مقوله صرفی اسم بوده و در این واژه حرف باء مشدّد است، چنانچه از ریشه مضاعف رب ب باشد می‌بایست در اصل بر وزن فَعْل، فَعِل یا فُعْل بوده باشد که دو حرف آخر در هم ادغام شده اند. نحویان ادغام متمائلین در اسامی بر وزن فَعْل را ممنوع دانسته اند (نک: سیبویه، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۴۲۰؛ ابن عقیل، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۱۶).

۴. برخی فرهنگ‌نویسان واژه «الرَّبِّب» را به معنای «الماء الكثير» دانسته اند، که به نظر می‌رسد می‌تواند با واژه «الرِّبَاب: السحاب الذی فیہ ماء» در پیوند باشد؛ هرچند جوهری (۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲) و ابن فارس (۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۳) آن را در پیوند با «التَّرْبِب / الاجتماع» دانسته‌اند.

۵. برخی فرهنگ‌نویسان «الإرباب» را به معنای «الدُّنُو من الشیء» دانسته اند (خلیل، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵۸؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۲)، که به نظر می‌رسد می‌تواند با این معنای ششم در پیوند باشد.

۶. ناگفته نماند جوهری واژه «رَبِيبَة» را به معنای «گوسفندی که مردم برای شیردهی در خانه نگهداری می‌کنند» نیز دانسته و فعل رَبَّى يُرَبِّي را برای آن به کار برده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱). أبو هلال عسکری هم در بیان وجه اشتقاق واژه «رَبِّي» (گوسفندی که به بره تازه‌زاده اش شیر می‌دهد) گفته است: «قيل لها ذلك لِأَنَّهَا تُرَبِّي وَلَدَهَا» (أبو هلال عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۷).

۷. از صفوان بن أمیة روایت شده است که در بازگشت از جنگ حنین در برابر اُوسفیان که به او گفت: «غلبت و الله هوازن»، پاسخ داد: «لأنَّ یربني رجل من قريش أحبَّ إليَّ من أن یربني رجل من هوازن» (أزهری، ۱۹۶۷م، ج ۱۵، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۰).

۸. از عبدالله بن عباس در گفتگو با عبدالله بن زبیر و در مخالفت با ادعای خلافت وی - در دوران خلافت عبد الملک بن مروان - روایت شده است: «لأنَّ یربني بنو عمي أحبَّ إليَّ من أن یربني غیرهم» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۰۱).

۹. ناگفته نماند محقق کتاب الزینة، ابوحاتم رازی، به کاربردهای واژه «رب» در زبان‌های سامی توجه داشته و چنین گفته است که «واژه «رب» به صورت مضاف و در معنای «سید» در زبان آرامی کاربرد فراوان داشته و به صورت غیرمضاف و در وصف «خدا» در زبان‌های سریانی و عربی جنوبی به کار می‌رفته است» (أبوحاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۷، پاورقی محقق).

۱۰. ترکیب اضافی «رب العالمین» ۴۱ بار در قرآن کریم به کار رفته است؛ از جمله در: (الحمد: ۲، الأنعام: ۱۶۲ و القصص: ۳۰).

- ^{۱۱}. این بیت از معلقه منسوب به حارث بن حلزة است که گفته می‌شود آن را در حدود ۵۶۵م در وصف عمرو بن هند پادشاه حیره سروده است (زوزنی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۵ و ۱۵۸).
- ^{۱۲}. «و اشتقاق الرب من التریبة» (أبو حاتم رازی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۷)
- ^{۱۳}. «و یكون الربُّ: المصلِحُ، من قولهم: قد ربَّ الرجلُ الشیءَ یربُّه ربًّا، و الشیءُ مربوبٌ إذا أصلحَه» (ابن أنباری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۶۷)
- ^{۱۴}. ابن فارس (۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۸۳) و ابوهلال عسکری (۱۴۱۲ق، ص ۲۴۷) احتمال داده اند که «تریبة» از ریشه ربب بوده باشد که در آن حرف باء به یاء تبدیل شده است.
- ^{۱۵}. «رَبُّهُ یَرْبُّهُ رَبًّا: مَلَکَهُ؛ و طالتْ مَرْبَّتُهُمُ النَّاسَ و رَبَّابَتْهُمُ أی مَمَّلَکَتْهُمُ» (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۲۳۳). البته همان طور که گفته شد ابن انباری (د. ۳۲۸ق) این معنا را از روایت صفوان (لأن یربني رجل من قریش...) دریافته و به عنوان یک احتمال برای صورت فعلی رَبُّ یَرْبُّ در نظر گرفته و به عنوان شاهد مثال بیت منسوب به علقمة بن عبده (و أنت امرؤ أفضت ألیک أمانتی...) را آورده است (ابن انباری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۲) اما غیر از وی، سایر فرهنگ‌نویسان متقدم چنین معنایی را حتی به عنوان یک احتمال ذکر نکرده اند و برخی از آنان همین شاهد مثال را مخدوش ساخته اند؛ همچون جوهری (۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۳) و ابن فارس (۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۳) که در مصراع اول به جای «أمانتی»، «ربابتی» آورده و آن را با فعل رَبَّتْ و رَبُّوب در مصراع دوم پیوند داده و این بیت را شاهد مثالی برای «الربابة» در معنای «العهد و الميثاق» دانسته اند.
- ^{۱۶}. این واژه یک بار در قرآن کریم به کار رفته است: «و کأین من نبی قاتل معه ربیون کثیر» (آل عمران: ۱۴۶)
- ^{۱۷}. این واژه سه بار در قرآن کریم به کار رفته است: «کونوا ربانین بما کنتم تعلمون الکتاب و بما کنتم تدرسون» (آل عمران: ۷۹)؛ «إنا أنزلنا التوریه فیها هدی و نور یحکم بها النبیین الذین أسلموا للذین هادوا و الربانین و الأحبار» (المائدة: ۴۴)؛ «لولا ینهاهم الربانین و الأحبار عن قولهم الإثم و أکلهم السحت» (المائدة: ۶۳).

^{۱۸} منابع فریقین اندک تفاوتی در این اسماء دارند. برای آگاهی از نمونه این روایت در منابع شیعی نک: (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۹۴-۱۹۵) و در منابع سنی نک: (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۹۲-۱۹۳).

^{۱۹} از جمله این متکلمان می‌توان قشیری، غزالی، سمعانی و فخر رازی را نام برد. نک: قشیری، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰، که در *بدایه‌الکتاب* و در ذیل آیه «ربّ السموات و الأرض و ما بینهما فاعبده و اصطر لِعبادته هل تعلم له سمیاً» (مریم: ۶۵) اجمالاً متعرض اسم «ربّ» شده است؛ فخر رازی، ۱۳۹۶ق، ص ۱۳۳، که در ذیل شرح اسم «ملک»، به آیه دوم سوره فاتحه‌الکتاب و به اجمال به «ربّ العالمین» پرداخته است؛ نیز: غزالی، ۱۴۰۴ق، سراسر کتاب، و شهاب‌الدین سمعانی، ۱۳۳۸ش، سراسر کتاب، که اساساً به شرح اسم «ربّ» پرداخته اند.

^{۲۰} برخی متکلمان شیعی در شرح اسماء الله به شرح دعای جوشن کبیر - مروی از امام سجاد(ع) به نقل از پیامبر اسلام (ص) - که دربرگیرنده ۱۰۰۱ نام و صفت خداست پرداخته اند و از آنجا که اسم «ربّ» در پایان بند مشترک «... خَلَصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبُّ» و همچنین در بندهای ۱۶، ۱۷، ۵۳، ۵۴، ۷۲، ۷۴، ۸۰ و ۹۴ آمده است (نک: کفعمی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴۷-۲۶۰) آن را شرح کرده اند.

^{۲۱} از جمله این معانی متفرد است: «خالق» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۰۹؛ أبو حیان، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ قس: طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۸؛ خوبی، ۱۳۹۵ق، ص ۴۵۶)، «مُرعی» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۰)، «ملک» (ابن عطیّه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۷) و «جابر» (قرطبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷).

^{۲۲} برای آگاهی بیشتر از جنبه‌های مختلف تدبیر الهی مورد نظر دانشمندان مسلمان نک: (نجارزادگان، ۱۳۹۱ش، ص ۵۲۳-۵۲۶).

^{۲۳} «فهو من أمّهات الأسماء المقدسة كالحی و القيوم، بل هو الأمّ وحده؛ لأنّه ينطوی فیهِ الخالق و العليم و القدير و المدبّر و الحکیم و غیرها» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸).

^{۲۴} وی در باره تمایز ریشه «ربّ» از «تربیه» چنین گفته است: «ربّ مصدره ربّ؛ و لیست التریبه منه، فإنّها من ربّی، فإذا تعدی بالتشديد صار تربیهً کتذکیه. و قد اشتبه هذا الأمر علی مثل

الراغب و روح المعانی و غیرهما. و لکن الذي يظهر أن معنى الخروج التدريجي من القوة إلى الفعل داخل في كل واحد من المادتين» (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳۸).

²⁵ historical-comparative linguistics

²⁶ Semitic languages

²⁷ Akkadian

²⁸ Hebrew

²⁹ Aramaic

³⁰ Ethiopic

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن أنباری، (۱۴۱۲ق)، الزاهر فی معانی کلمات الناس، تحقیق حاتم صالح ضامن، بیروت: مؤسسه الرسالة.

_____ (۱۴۱۸ق)، کتاب الأضداد، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهيم، بیروت: المكتبة العصرية.

ابن بابویه (۱۳۹۸ق)، التوحید، تحقیق هاشم حسینی طهرانی، قم: منشورات جماعة المدرّسين فی الحوزة العلمية.

ابن جزّی، محمد بن أحمد، (۱۴۱۶ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، تحقیق عبد الله خالدی، بیروت: دار الأرقم.

ابن درید، (۱۹۸۷م)، جمهرة اللغة، تحقیق رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.

ابن سراج، محمد بن سری، (۱۹۷۳م)، رسالة الاشتقاق، تحقیق محمد علی درویش و مصطفی حدری، دمشق: دار مجلة الثقافة.

ابن سیده المرسی، علی بن إسماعیل، (۱۴۲۱ق)، المحکم و المحيط الأعظم، تحقیق عبد الحمید هنداوای، بیروت: دار الكتب العلمية.

ابن عربی، محیی‌الدین، (۱۴۲۰ق)، *الفتوحات المکّیة*، تحقیق أحمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن عطیة الأندلسی، (۱۴۱۳ق)، *المحرر الوجیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن عقیل، بهاء‌الدین، (۱۴۱۴ق)، *شرح ابن عقیل علی ألفیة ابن مالک*، بیروت: دار الفکر.
ابن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم: مکتبه الإعلام الإسلامی.

ابن قتیبة، (۱۳۹۸ق)، *تفسیر غریب القرآن*، تحقیق أحمد صقر، بیروت: دار الکتب العلمیة.
ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، (۱۴۱۲ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار المعرفة.

ابن منظور، (۱۴۰۵ق)، *لسان العرب*، قم: نشر أدب الحوزة.
ابوالفتوح رازی، (۱۳۶۶ش)، *روض الجنان و روح الجنان*، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

أبو حاتم رازی، (۱۴۱۵ق)، *کتاب الزینة فی الکلمات الإسلامیة العربیة*، تحقیق حسین بن عبدالله همدانی، صنعاء: مرکز الدراسات و البحوث الیمنی.

أبو حیّان الأندلسی، (۱۴۲۲ق)، *البحر المحیط*، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.

أبو زید الأنصاری، سعید بن أوس، (۱۹۰۵م)، *کتاب المطر*، تحقیق لويس شیخو الیسوعی، بیروت: المکتبة الكاثولیکية للآباء الیسوعیین.

أبو عبید، قاسم بن سلّام، (۱۴۱۶ق)، *الغریب المصنّف*، تحقیق محمد مختار عبیدی، قاهرة: دار مصر للطباعة.

_____ (۱۳۶۵ق)، *کتاب اللغات فی القرآن*، تحقیق صلاح‌الدین منجد، قاهرة: مطبعة الرسالة.

أبو هلال عسکری، (۱۴۱۲ق)، *الفروق اللغویة*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
أزهري، (۱۹۶۷م)، *تهذیب اللغة*، تحقیق إبراهيم إیباری، قاهرة: دار الکاتب العربی.

- أمین، عبد الله، (۱۹۵۶م)، *الاشتقاق*، قاهره: لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر، (بی تا)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، أبوبکر، (۱۴۱۲ق)، *کتاب الأسماء و الصفات*، تحقیق عبد الله بن محمد حاشدی، قاهره: مکتبه السوادی.
- ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت: دار الفکر.
- ثعلبی، أبویسحاق، (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، تحقیق أبی محمد بن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوهری، (۱۴۰۷ق)، *الضحاح*، تحقیق أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- حلمی، حسین بن حسن، (۱۳۹۹ق)، *المنهاج فی شعب الإیمان*، تحقیق حلمی محمد فوده، بیروت: دار الفکر.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و إبراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دارالهجره.
- خمینی، مصطفی، (۱۴۱۸ق)، *تفسیر القرآن الکریم*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی.
- خویی، أبو القاسم، (۱۳۹۵ق)، *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار الزهراء.
- زجاجی، عبد الرحمن بن إسحاق، (۱۴۰۶ق)، *اشتقاق أسماء الله*، تحقیق عبد الحسین مبارک، بیروت: مؤسسه الرساله.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۸۵ق)، *الکشاف*، مصر: مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
- زوزنی، أبو عبدالله، (۱۴۱۳ق)، *شرح المعانی السبع*، بیروت: الدار العالمیه.
- سمعانی، أبوالمظفر، (۱۴۱۸ق)، *تفسیر القرآن*، تحقیق یاسر بن إبراهیم و غنیم بن عباس غنیم، ریاض: دارالوطن.

- سمعانی، شهاب‌الدین أحمد، (۱۳۳۸ش)، روح الأرواح فی شرح أسماء الملك الفتحاح، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، (۱۳۸۰ش)، تفسیر سورآبادی، تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- سیبویه، (۴۰۲ق)، کتاب، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاهرة: مکتبه الخانجی.
- سیوطی، (بی‌تا)، المهدب فیما وقع فی القرآن من المعرب، تحقیق تهامی راجی هاشمی، مغرب و امارات متحده عربی: صندوق إحياء التراث الإسلامي.
- صوفی، عبد اللطیف، (۱۹۸۶م)، اللغه و معاجمها فی المکتبه العربیه، دمشق: دار طلاس طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعه المدرّسین فی الحوزه العلمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان، تحقیق لجنه من العلماء و المحققین الأخصائیین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، ابن جریر، (۱۴۱۵ق)، جامع البیان، تحقیق صدقی جمیل عطّار، بیروت: دار الفکر.
- طرزی، فؤاد حنا، (۲۰۰۵م)، الاشتقاق، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- طریحی، فخر الدین، (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، تحقیق أحمد حسینی، طهران: مکتب نشر الثقافه الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق أحمد حبیب قصیر عاملی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۴۲۰ق)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- غزالی، (۱۴۰۴ق)، المقصد الأسنی فی شرح أسماء الله الحسنی، تحقیق محمد عثمان خشت، قاهره: مکتبه القرآن.
- فاخوری، حنا، (۱۳۸۹ش)، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس.

فخر رازی، (۱۳۹۶ق)، *لوامع البینات: شرح أسماء الله تعالی و الصفات*، تحقیق محمد بدر الدین، مصر: المطبعة الشرفیة.

_____ (۱۴۱۱ق)، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

قرطبی، محمد بن أحمد، (بی تا)، *الجامع لأحكام القرآن*، تحقیق أحمد عبد العلیم بردونی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

قشیری، عبد الکریم بن هوازن، (۱۴۰۶ق)، *شرح أسماء الله الحسنی*، تحقیق أحمد عبد المنعم عبد السلام حلوانی، بیروت: دار آزال.

کفعمی، ابراهیم بن علی، (۱۴۰۳ق)، *جنّة الأمان الواقیة و جنّة الإیمان الباقیة (المشهر بالمصباح)*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

مشکور، محمد جواد، (۱۳۵۷ش)، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰ش)، *تفسیر روشن*، تهران: مرکز نشر کتاب.

ملاهادی سبزواری، (بی تا)، *شرح الأسماء الحسنی*، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۰۹ق)، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه أهل البيت.

مبیدی، رشیدالدین، (۱۳۷۱ش)، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نخاس، (۱۴۰۹ق)، *معانی القرآن*، تحقیق محمد علی صابونی، ریاض: جامعه أم القری.

نجارزادگان، فتح الله، (۱۳۹۱ش)، «معناشناسی ربّ در نظام تعالیم وحی»، جشن نامه استاد محمدعلی مهدوی راد، به کوشش رسول جعفریان، قم: نشر مورخ.

نسفی، أبو البرکات، (بی تا)، *تفسیر النسفی المسمی به مدارک التنزیل و حقائق التأویل*، تحقیق سید زکریا، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

Gesenius, W. (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, tr. E. Robinson, ed. F. Brown, Oxford: Oxford University Press.

- Jastrow, M. (1903), *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*, London: Luzac; New York: G. P. Putnam's Sons. vol. 2.
- Leslau, W. (1991), *Comparative Dictionary of Ge'ez (Classical Ethiopic)*, Wiesbaden: Harrassowitz.
- Muss-Arnolt, W. (1905), *A Concise Dictionary of the Assyrian Language*, Berlin: Reuther & Reichard, vol. 2
- Rubin, A. D. (2010), *A Brief Introduction to the Semitic Languages*, Piscataway, NJ: Gorgias Press.

Archive of SID

مراجعة آراء العلماء المسلمين في معنى «الرب» و اشتقاقه

محمد علي خوانين زاده* تاريخ الاستلام: ١٤٣٥/٢/٦

فتح الله نجارزادگان** تاريخ الموافقة: ١٤٣٥/٧/٧

نظرا إلى أهمية اسم «الرب» و مكاتته الخاصة في النظام الدلالي للقرآن الكريم، تستعرض هذه الدراسة وجهات نظر العلماء المسلمين بما فيهم مؤلفي المعاجم و المفسرين و الشارحين لأسماء الله الحسني في معنى كلمة «الرب» و اشتقاقها من منهج النقد التاريخي للحصول على الأساليب التي استخدموها لأجل التعرف على معنى المفردات القرآنية ونتائجها بصورة واضحة، وأيضا لتكشف عن نقاط القوة والضعف لتلك الأساليب بحيث يمكن استخدام أساليب حديثة للقضاء على العيوب الموجودة.

يُستنتج من جميع الأقوال والأدلة التي أوردها مؤلفو المعاجم السابقون أن اسم «الرب» الذي اعتبروها جميعا من أصل ربب المضعف كان بمعنى «المالك» في اللغة العربية منذ العصر الجاهلي، مع ذلك لم يكن يُستخدم الأفعال المجردة أو المزيدة من أصل ربب المضعف في معنى «مَلِكَ يَمْلِكُ»؛ وقد اعتبر بعض مؤلفي المعاجم «التربية» (من أصل ربب و الناقص) كمصدر اشتقائي لاسم «الرب». لذلك ومع اعتبار النظر إلى رأى العلماء المسلمين في باب الاشتقاق (ضرورة أن تكون علاقة وثيقة بين الأصل و المعنى معا) يجب على مؤلفي المعاجم السابقين أن يعتبروا «الرب» اسما جامدا، لأنه لم تكن أيًا من العلاقة الدلالية بين اسم «الرب» و الأفعال المشتقة من أصل ربب ولا العلاقة بين الأصلين ربب و ربب و واضحة. المفسرون و الشارحون لأسماء الله الحسني أيضا اتفقوا بشكل عام على أن «الرب» كان بمعنى «المالك» على الرغم من أن معظمهم لم يصرحوا على مصدره الاشتقائي، ومنهم من أرجع كلاً من المعاني المختلفة المذكورة للرب إلى معنى «التربية». الكلمات الدلييلة: القرآن الكريم؛ أسماء الله الحسني؛ الرب؛ علم الدلالة؛ الاشتقاق.

* طالب دكتوراه بجامعة تهران، قسم علوم القرآن و الحديث. (كاتب مسئول) alikhavanin@ut.ac.ir

** استاذ مساعد بجامعة تهران، قسم علوم القرآن و الحديث. ajarzadegan@ut.ac.ir